

## تقد کتاب

### اسناد آرامی متعلق بقرن پنجم پیش از میلاد

G. R. Driver توسط *Aramic Documents of the Fifth Century B.C.*

استاد فقه اللغة زبانهای سامی در دانشگاه اکسفرود ، بکهک سوادى که توسط H. J. Polotsky, F. Rosenthal, E. Mittwoch, W. B. Henning تهیه شده، اکسفرود ۱۹۵۷.

این اسناد که از اسناد اصیل دوران هخامنشی است و از لحاظ تاریخ این خاندان و حکومت آنان اهمیت اساسی دارد ، شامل چندین نامه کامل ( بوی پوست ) و تعدادی قطعات و خرده‌های کوچک و گسیخته، و چند قطعه گل مهمور است .

از سیزده نامه کامل که در کیسه چرمی محتوی این اسناد یافت شد ، ده نامه از طرف «ارشام» شهر بان (ساتراپ) هخامنشی مصر صادر گردیده و سه نامه دیگر نیز بنحوی بوی و یا کار گزار وی «نهتی هور» *Nehthür* در مصر ارتباط می یابد و با احتمال بسیار قوی همه این اسناد متعلق بضبط همین «نهتی هور» است که مجموعاً هفت نامه خطاب باوست، و مضمون و سایر نامه‌ها نیز باو مربوط میشود. آنچه بخصوص این حدس را قوت میبخشد نامه‌ای است بنام وی که در حکم « گذرنامه » اوست برای سفر از بابل بمصر . درین نامه ارشام بمأموران ورؤسای نواحی که میان مصر و بابل بوده‌اند دستور میدهد که وقتی نهتی هور از قلمرو آنها میگذرد آذوقه او را بدهند و او را یاری کنند : «... اما بعد ، بدانکه ، یکنفر بنام نهتی هور ، مأمور من ، بمصر می‌رود . باو

از املاک من که در ناحیه شماس است هر روز دو پیمانۀ آرد سفید، سه پیمانۀ آرد متوسط (۴) و دو پیمانۀ شراب یا آبجو، و یک گوسفند بدهید؛ و برای خدمه اش (کسه) ده تن اند روزانه یک پیمانۀ آرد برای هر یک، (و) کاه بر حسب (عدۀ) اسبانش. و (نیز) برای دو (نفر) کیلیکیه‌ای (و) یک صنعتگر - هر سه از خدام من - که بمصر میروند، هر یک روزانه یک پیمانۀ آرد بدهید. هر یک از شما کارداران این آذوقه را بنوبت و بر حسب (مراحل) سفرش از ولایتی بولایتی بدهید تا بمصر برسد، و اگر بیش از یک روز در هر نقطه بماند، برای آن روزها دیگر آذوقه ندهید. منشی: راشت *Rāšt*، با اطلاع بگک سرو *Bagasarca*»

این نامه‌ها اصولاً نامه‌های خصوصی است نه نامه‌های دیوانی، اما نظر با اهمیت مقام ارشام و تعلق او بخاندان شاهی، موضوع نامه‌ها غالباً بمسائل عمومی ارتباط می‌یابد و از آنها بسیاری نکات سودمند دربارهٔ احوال عمومی زمان و کیفیت ادارهٔ املاک و اقطاعات و غیره بدست می‌آید.

موضوع عمومی این نامه‌ها امور مربوط به ادارهٔ اقطاعات ارشام و یا دیگر بزرگان ایرانی در مصر، و وصول و ایصال عایدات آنها<sup>۱</sup>، و مسائل و مشکلاتی است که درین زمینه پیش می‌آید، از قبیل واگذاری حقوق پدری بیسرش که در مباشرت املاک جانشین پدرشده<sup>۲</sup>، سپردن شغل پدری که در گذشته است بیسرش در استیجار املاک<sup>۳</sup>، اقداماتی که مباشر باید برای نگاهداری تیول شهر بان و افزودن کارورز و کشاورز بکند<sup>۴</sup>، رها کردن یک دسته سرباز که اشتباهاً آنها را باز داشته‌اند<sup>۵</sup>، توییح مأموری که از واگذاری بعضی افراد بمأمور دیگر خودداری کرده و نیز مرتکب حمله و ضرب و سرقه شده است<sup>۶</sup>، دستور تنبیه یک دسته بردگانی که اموال مأموری را که رئیس آنها بوده ربوده و گریخته‌اند<sup>۸</sup>.

۱- این کلمه را میتوان ۲۲۶ = *mm* یا ۲۲۷ = *mm* خواند. معنی هیچیک بدرستی روشن نیست، ولی اولی را میتوان «وازده» معنی کرد. از متن پیداست غیر بی آرد پست تراست. (بیادداشتهای ص ۶۰ رجوع شود)  
 ۲- نامه‌های ۱۱ و ۱۰  
 ۳- نامهٔ ۲  
 ۴- نامهٔ ۵  
 ۵- نامهٔ ۶  
 ۶- نامهٔ ۷  
 ۷- نامهٔ ۱۲  
 ۸- نامهٔ ۳

سه نامه ازین نامه ها ارتباط مستقیمی به اداره اقطاعات ندارد، ولی بارشام و نهتی هورمر بوط است. از جمله در یکی ارشام بکار گزار خود دستور میدهد که آذوقه و وسائل پیکر سازی از خدمه او را مانند سایر خدمه فراهم سازد تا او مجسمه یکتن سوار را با مجسمه های دیگر بسازد و این مجسمه ها بی درنگ برای ارشام فرستاده شود<sup>۱</sup> (ارشام ظاهراً این نامه را در موقع اقامت خود در شوش نوشته است. ص ۱۲-۱۰)، و در نامه دیگری یکی از مأموران ارشام از نهتی هور برای فرستادن جامه<sup>۲</sup> (؟) کتان و دو پوست ارغوانی رنگ تشکر میکند<sup>۳</sup>.

در ذیل قسمت عمده این نامه ها که از دیوان ارشام صادر شده نام دبیر و هم چنین یکتن دیگر از کارداران که موضوع نامه در قلمرو کارهای او بوده است ذکر شده (معمولاً با عبارت: با اطلاع فلان است، و دبیر فلان است). اما هیچیک از نامه ها، بخلاف نامه های آرامی که در «الفاتین» مصر متعلق به همین قرن یافت شده تاریخ ندارد. از اینرو در بادی امر تاریخ قطعی این نامه ها و نیز هویت ارشام شهر بان مصر بدست نمی آید. اما از قرائن دیگر میتوان هر دو نکته را روشن ساخت.

نام ارشام در این نامه ها عموماً با عنوان «BR BYT» یعنی «شاهزاده»<sup>۴</sup> ذکر شده، بنابراین ارشام باید از خاندان هخامنشی باشد. در میان هخامنشیان مجموعاً بشش تن بنام ارشام بر میخوریم<sup>۵</sup>:

۱- ارشام نیای داریوش بزرگ (در حدود ۶۰۰ ق. م.).

۲- ارشام فرزند داریوش، شهر بان مصر، یکی از فرماندهان سپاه خشایارشا که ظاهراً در جنگ سالامیس کشته شد (۴۸۰ ق. م.).

۱- نامه ۹  
۲- نامه ۱۳  
۳- این عنوان آرامی ترجمه کلمه ایرانی *visi putra* (دراوستائی: *vispūr*، در پارسی *vispūr*، در سغدی بودائی *višpōr'k* و در ختنی *bāsīvrāssai*، در فارسی: و سپور) بمعنی شاهزاده است (لفظاً بمعنی فرزند خاندان شاهی). در بابلی جدید مثل آرامی به *mar bitī* و در عربی به «اهل البیوتات» ترجمه شده. ت صفحه ۴۱ دیده شود.

۴- صفحه ۹۲ از کتاب مورد بحث و ۵  
۵- صفحه ۵۴-۵۶ از کتابی با همین عنوان که *Driver* در سال ۱۹۵۴ بطبع رسانید (*editio princeps*)

۳ - ارشام دیگری، محتملاً فرزند ارشام فوق، که در سال ۴۵۵/۴ شهر بان مصر شد و در بر انداختن خشایارشای دوم و بتخت نشاندن داریوش دوم دست داشت.

۴ - ارشام فرزند خردمند و نامشروع اردشیر دوم که در ۳۵۸ ق. م. کشته شد.

۵ - ارشام پدرداریوش سوم.

۶ - ارشام فرزند اردبازو، از سرداران داریوش سوم که در جنگ ایسوس (۳۳۳

ق. م.) کشته شد.

حال گذشته از نامه‌هایی که موضوع بحث است، نامه‌های دیگری نیز در الفاتین مصر روی پاپیروس یافت شده<sup>۱</sup> که بعضی را ارشام نامی، شهر بان مصر، صادر کرده و در بعضی دیگر از همین ارشام نام برده شده است.<sup>۲</sup>

هم چنین نه لوحه بخط میخی و بزبان « بابلی جدید » بدست آمده است که موضوع آنها تقاضای واگذاری قسمتی از اغنام ارشام نامی از بزرگان در بابل است در برابر عایدی جنسی سالیانه‌ای که دقیقاً تعیین گردیده.<sup>۳</sup>

در پاپیروس‌های آرامی (منظور نامه‌ها و اسنادی است که روی پاپیروس نوشته شده و ذکر آنها گذشت) و لوحه‌های بابلی، اسناد مورخ است. تاریخ لوحه‌های بابلی میان ۴۳۳ و ۴۰۴ ق. م. قرار دارد و تاریخ پاپیروسهای آرامی مربوط به ارشام میان ۴۲۸ و ۴۰۸ میلادی.

با احتمال قوی میتوان دانست که ارشام لوحه‌ها با ارشام پاپیروسها یکی است. و نیز از قرائن متعدد بر میآید که این ارشام همان ارشام مذکور در نامه‌های پوستی مصر است؛ از جمله خط و سبک انشا و بعضی اصطلاحات نامه‌ها و پاپیروسها یکی است (س ۹ دیده

۱- مجموعه این پاپیروسها را که شامل نامه‌ها و اسناد و بعضی قطعات ادبی است و از جمله شامل ترجمه آرامی قسمتی از کتیبه بیستون و نیز روایت آرامی «سخنان اخیقر» است A. Cowley در *Aramaic Papyri of the Fifth Century B.C.* منطبعة اکسفورد، ۱۹۲۳، انتشار داده است. برای نامه‌های مربوط به ارشام پاپیروسهای شماره ۱۷ و ۲۱ و ۲۶ و ۲۷ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ و هم چنین [۴۱] رجوع شود.

۲- صفحات ۹۳-۹۲ کتاب دیده شود.

۳- س ۸۸ کتاب دیده شود. برای متن بابلی این لوحه‌ها صفحات ۵۳-۴۴ *editio princeps* همین

نامه‌ها توسط G. R. Driver دیده شود (۱۹۵۴).

شود)، و نیز درنامه‌های مورد بحث دوبار اشاره به حدوث شورش و بلوا در مصر میشود<sup>۱</sup> و هم از عبارات چندین نامه برمیآید که ارشام این نامه‌ها را از خارج مصر (محملاً بابل و شوش) فرستاده است. از طرفی پایپروسهای آرامی متذکر میشود که ارشام در سالهای ۱۱، ۱۰، ۹ ق. م. بعثت وقوع شورش در مصر از مصر خارج شده بوده است و در سال ۸، ۷، ۶ ق. م. بمصر بازگشته. از اینرو میتوان تقریباً مطمئن شد که این نامه‌ها متعلق به ارشامی است که در سال ۴۵۵ پیش از میلاد در مصر بانی مصر بر گزیده شد و اقلاناً سال ۴۰۳ ق. م. شهر بان مصر بوده (قریب نیم قرن) - و بنابراین این همان ارشامی است که کتیراس در «کتاب Persica و پولینوس Polyænus در کتاب Strategemata از او نام میبرند (ص ۹۶-۹۲). این نامه‌ها همه بزبان آرامی، یعنی زبانی که در دوره هخامنشی برای مراسلات دیوانی و ارتباط میان کشورهای مختلف شاهنشاهی بکار میرفته نوشته شده و زبان آن مطابق است با زبان پایپروسهای آرامی متعلق به همین قرن که در الفانتمین مصر یافت شده که اصطلاحاً آنرا زبان «آرامی شاهنشاهی» (Reichsaramäisch) نامیده‌اند.

هر چند زبان نامه‌ها آرامی است، ولی عده زیادی اسامی و عناوین و لغات و اصطلاحات ایرانی در این نامه‌ها آمده و از اینرو این اسناد از لحاظ فرهنگ و لغت ایران نیز دارای اهمیت خاص است. همچنین بنظر میرسد بعضی عبارات آرامی ترجمه عبارات مصطلح پارسی باستان باشد. بعضی از هژوارشهای خاص پهلوی و پارتی را نیز میتوان در این نامه‌ها دید.

\*\*\*

این اسناد را در سال ۱۹۵۴ پرفسور G. Driver بر اساس طرحی که مرحوم پرفسور E. Mittwoch و پرفسور H. J. Polotsky و پرفسور W. B. Henning و پرفسور F. Rosenthal تهیه کرده بودند و شامل قرائت و ترجمه مقدماتی و مقدمه تاریخی و یادداشتهای لغوی و غیره بود انتشار داد و تصاویر اسناد را نیز در آن بطبع رسانید.

نظر بتنوع مسائلی که در این نامه‌ها پیش میآید و تنوع زبانهائی که در این نامه‌ها منعکس است، مؤلف در تهیه یادداشتهای توضیحی از عده‌ای دانشمندان ذیفن کمک

خواست. اما نقصی که در طبع اول کتاب دیده میشد این بود که درین یادداشتهای، بخصوص یادداشتهای مربوط با سامی و لغات و اصطلاحات ایرانی، نظریات مختلف این دانشمندان بهم آمیخته بود و خواننده غالباً نمیدانست نظری که بیان شده متعلق بکیست و تا چه حد قابل اعتماد است.

در کتاب اخیر که با حذف تصاویر نامه‌ها و قطعات کوچک، و حذف متون بابلی و یونانی، و تجدیدنظر در یادداشتهای توضیحات و تکمیل آنها، و افزودن فهرست قطعات کتاب مقدس بطبع رسیده است، این نقص تا حدی بر طرف گردیده و بخصوص یادداشتهای متعددی که درباره لغات و اصطلاحات و اسامی ایرانی است کاملتر شده.

درین باب مؤلف خود را مدیون پروفیسور هینمک استاد دانشگاه لندن می‌شمارد که چنانکه در مقدمه میگوید با کمال مساعدت و گشاده دستی بکمک وی شتافتند و در کلیه اینگونه یادداشتهای تجدیدنظر کرده و در حقیقت بیشتر نزدیک بهمه آنها را از نو تحریر کرده است (ص VI).

از این تجدیدنظر که بدست ایران شناسی متبحر و صاحب نظر انجام گرفته، فوائد بسیار حاصل میشود. در بسیاری ازین یادداشتهای مواد تازه افزوده شده و اشتقاقیات تازه پیشنهاد گردیده. و بعضی اشتباهات یا احتمالات ناروا که در طبع قبلی دیده میشد نیز اصلاح گردیده است.

مثلاً در یادداشت مربوط بکلمه  $\text{בָּרַיָּה} \text{ } \text{בְּרַיָּה}$  که نوبرگ آنرا بمعنی «معاون» و مشتق از  $\text{bitya-kara}$  گرفته، اشکال این اشتقاق (آمدن  $d$  بجای  $t$ ) بیان شده و دو اشتقاق محتمل دیگر  $\text{bāriya-kara}$  (مربوط باباریک فارسی) و  $\text{brāya-kara}$  (مربوط به  $\text{brā(h)}$  پهلوی و «براه» فارسی) اضافه گردیده. هم چنین در یادداشت راجع بکلمه  $\text{אֶסְפְּרָנָא} = \text{sprn} \leftarrow \text{asprnā}$  در فارسی باستان = کامل، تمام (مربوط با «سپری» فارسی) یادداشت بصورت منظم و روشنی ترتیب داده شده و معادل‌های ختنی

۱- ص ۷۲ از کتاب، و ص ۲۹ از edit. prin.

۲- ص ۷۶ از کتاب، و ص ۳۱ از edit. prin.

(*uspurra*) و ارمنی (*spar*) و پارسی و فارسی میانه (*ispur(r)ig* و *ispur(r)*) ذکر شده. از نمونه‌های گویای اینگونه اصلاحات یادداشت درباره نام  $\text{רְחִי} = rhy$  است (ص ۸۴) که جزء اول آن *arta* فارسی باستان است ولی از انتساب جزء دوم به *ahya* اوستایی و *xem* پهلوی و «خیم» فارسی که در طبع اول دیده می‌شد صرف نظر شده و به تحقیق بنویت در این باب اشاره گردیده و هینک نیز در یادداشتی این کلمه را از *ryra* در سغدی بودائی و *rtax* و *rtay* در سغدی مانوی و *rtax* در خوارزمی و *rdak* سغدی بمعنی «صادق» جدا شمرده است.

در نامه سیزدهم کلمه‌ای که قبلاً  $\text{פתיחו} = ptytu$  خوانده شده و با *pataita* اوستایی و *patit* پهلوی مربوط شمرده شده بود اکنون بتوصیه هینک  $\text{פתיתו} = ptstw$  خوانده شده که صورت ایرانی آن را باید ترکیبی از *pati* و فعل *stū* استودن، شمرده. در یادداشت مربوط به کلمه  $\text{ביתא} = BRBYT$  - شاهزاده<sup>۲</sup> مطالب مکمل شده و توضیحات بصورت منظم‌تری تدوین گردیده و صورت ارمنی و سغدی بودائی و ختمی و فارسی آن نیز اضافه گردیده است.

در یادداشت مربوط به  $\text{ססיא} = sasy$  - اسب<sup>۳</sup> که معمولاً در آرامی و در بسیاری زبانهای دیگر از کلمه‌ای هند و اروپائی مشتق شمرده میشود، دلالتی برای آنکه این کلمه و *sisti* در بابلی، *ssim* و غیره در مصری، و *ssin* در اوگاریت، و «سواس» بمعنی سریع در عربی، همه از صدائی که حاکی از سرعت اسب است گرفته شده باشد بیان گردیده.

با آنکه در این طبع که با اصلاحات و تغییرات شایسته‌ای که در آن بعمل آمده یادداشتهای توضیحی روشن‌تر و سنجیده‌تر است، اما هنوز نمیتوان گفت

۱- ص ۳۵. edit. prin.

۲- ص ۴۱ کتاب وض ۱۲. edit. prin. و حاشیه شماره ۳ صفحه ۹ این مقاله رجوع شود.

۳- ص ۷۳ کتاب ص ۲۹. edit. princ.

ابهامی که در مورد انتساب نظریات توضیحی بصاحبان آنها در طبع اول وجود داشت بکلی رفع شده. چه در حالیکه در بعضی یادداشتهای کلمات ایرانی اشاره بقول کسانی چون بنوینست و نوبرس و اندرهاس و هینک و تلمدی و روزنتال و دیگران هست و یا مطلب اساساً از فرهنگ بار توومه استخراج شده، در بعضی موارد دیگر انسان نمیداند نظری که اظهار شده حقیقاً از کیست.

مثلاً در یادداشت مربوط بنام ایرانی  $\text{ארטוהי} = \text{rtchy}$  (ص ۷۱) (مرکب از  $\text{arta-}$  یا  $\text{-ōi}$  یا  $\text{-ōi}$  در فارسی باستان)؛ و در یادداشت مربوط به  $\text{הנדרה}$   $\text{hndr} =$  (ص ۷۵)؛ و در یادداشت مربوط به  $\text{הנדרה} = \text{hd' hga}$  (ص ۷۷)؛ و در یادداشت مفیدی که درباره نمایاندن «چ» ایرانی با «ش» آرامی آمده (ص ۸۱) بدرستی نمیتوان دانست نظراً از کیست. هر چند این کتاب از حیث طبع ممتاز است (خاصه با در نظر گرفتن خطوط متنوعی که در آن بکار رفته) باز تعدادی غلطهای مطبعی در آن راه یافته.

از این جمله است در ص ۱ سطر ۵ که  $\text{av}$  زائداست؛ و ص ۵۳ سطر ۴ که  $\text{xvandah}$  بجای  $\text{xvarnah}$  آمده، و همان صفحه سطر ۲۸ که  $\text{gyar/gar}$  بجای  $\text{gyar/gar}$  آمده، و باز در همان سطر  $\text{aram}$  بجای  $\text{avam}$  و  $\text{agiyarah}$  بجای  $\text{ašyivah}$ ؛ و در ص ۲۳ سطر ۱۳  $\text{Gershevitich}$  بجای  $\text{Gershevitich}$ ؛ و در ص ۸۳ سطر ۶  $\text{(h)vāispāsiyam}$  که «s» در آن زائد است.

در خاتمه باید گفت که نامدهائی که در این کتاب بطبع رسیده از اسناد مهم تاریخ هخامنشی بشمار میرود و کسی که در تاریخ حکومت این خاندان و تمدن و اصول اداری آن تحقیق میکند از مطالعه آنها بی نیاز نمیتواند شد. یادداشتهای توضیحی نیز بخصوص با اصلاحی که در آنها بعمل آمده از لحاظ مطالعات ایرانی بینهایت سودمند است.

احسان یارشاطر